

جايگاه تحريم در نظام بين الملل

احمد بازیار^۱

^۱ عضو هیئت علمی، دانشگاه پیام نور، واحد ایلام

نویسنده مسئول:

احمد بازیار

چکیده

از قرن نوزدهم به همراه پیشرفت انسان در عرصه علم و تکنولوژی، نیاز جوامع به یکدیگر افزایش یافته، به گونه‌ای که امروزه هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که خود را بی نیاز از سایر کشورها بداند. براین اساس یکی از راههای اعمال فشار بر کشورهای نقض‌کننده حقوق بین‌الملل، استفاده از ابزار تحريم‌های بین‌المللی است. تا کشورهای مذکور رفتار خود را تعديل نمایند. اگرچه در مواردی کشورهای قدرتمند از این ابزار سوءاستفاده کرده و از آن در جهت منافع ملی و سیاستهای سلطه‌گرانه خود استفاده کرده‌اند. لیکن استفاده از تحريم بین‌المللی به عنوان اقدام متقابل و نیز نوعی اقدام جمعی از سوی شورای امنیت مشروع بوده و جنانجه انجام آن با بررسی وضعیت کشور خاطی و نقاط ضعف آن همراه باشد و برای هر کشور تحريم خاص اعمال گردد، می‌توان به کارایی تحريم به عنوان ضمانت اجرایی مؤثر امیدوار بود.

کلمات کلیدی: تحريم، نظام بین الملل.

مقدمه

امروزه تحریم‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی بر کشورها از سوی جامعه جهانی در جهت تعدیل در سیاست‌ها و رفتار آنها مطرح است. در حال حاضر این نقش به شورای امنیت سازمان ملل متعدد که مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برآسas منشور ملل متعدد بر عهده دارد، واگذار شده است. اما استفاده از تحریم‌های تجاری با هدف تأمین منافع خاص کشور تحریم‌کننده و بدون توجه به منافع و خواسته‌های سایر اعضای جامعه جهانی و برخلاف اصول و موازین بین‌المللی، سیاستی است که در سال‌های اخیر از سوی پارهای از قدرت‌ها، خصوصاً ایالات متحده آمریکا علیه برخی از کشورهای در حال توسعه که سیاست‌ها و مواضعشان با منافع آنها سازگاری نداشته اعمال شده است. ایالات متحده آمریکا یکی از طرفداران پر و پاocrine تحریم‌های اقتصادی و سیاسی برای دستیابی به اهداف موردنظر در سیاست خارجی خود بوده است.

مفهوم تحریم‌های اقتصادی

اصطلاح تحریم عبارت است از امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول. با وجود این، کاربرد آن بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی رایج است و کالاهای خدمات تولیدی یک دولت خاص بایکوت می‌شود. تحریم ممکن است عام یعنی شامل همه‌ی کالاهای خدمات و یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاهای باشد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱، ۹۶).

ذکر این نکته مهم است که گرچه در تحریم‌ها عنصری از تنبیه وجود دارد، اما صرفاً به منظور ایجاد شرایط دشوار برای مردم کشور تحریم نبوده و در واقع هدف آن ایجاد تغییراتی در رفتار سیاسی دولت این کشور است. عده‌ای نیز مهمترین کارکرد تحریم را بازدارندگی می‌دانند (ظرفی، ۱۳۷۶، ۹۲).

سابقه تحریم به سرنوشت «کاپیتان چالزسی بایکوت» یک ملاک انگلیسی در «Famine-Ridden» ایرلند در اوخر دهه ۱۸۷۰ برمی‌گردد. در این جریان کاپیتان به خاطر رفتار ظالمانه نسبت به کشاورزان از سوی مجمع زمین ایرلند، از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در انزوا قرار گرفت. با شروع این قرن، اصطلاح از کاربرد رایج خود در حقوق روابط کار به صحنی بین‌المللی انتقال یافت و دچار تغییرات و پیشرفت‌های بعدی شد.

تحریم در روابط بین‌الملل ابتدا جنبه خصوصی یا ملی داشته و اتحاد و یکپارچگی افرادی را توصیف می‌کرد که تصمیم داشتند به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش به انجام رفتار معین، روابطی با افراد دارای ملیت خارجی نداشته باشند. این اصطلاح بعدها گسترش پیدا کرد؛ به طوری که شروع چنین اقداماتی از سوی یک کشور را نیز دربرگرفت. قطع روابط مالی و اقتصاد با کشورهای دیگر و اتباعشان، ممکن است توسط یک کشور یا چندین کشور که مشترکاً عمل می‌کنند، به عنوان یک نوع فشار اقتصادی یا خصوصت، هم در زمان جنگ و یا صلح انجام گیرد. تحریم هچنین ممکن است به عنوان یک مجازات اقتصادی جمعی در موارد تهدید یا نقض صلح از سوی سازمان ملل متعدد علیه کشور خاطی بکار گرفته شود. (حدادی، ۱۳۸۲، ۱۱۱).

تحریم، به «تحریم اولیه» و «تحریم ثانویه» تقسیم می‌گردد. در صورتی که تحریم تنها به روابط دو کشور مربوط شود، به طوری که کشوری از برقراری تجارت یا تبادل خدمات یا سایر روابط اقتصادی و اجتماعی با کشور دیگری امتناع نماید، این تحریم اصطلاحاً «تحریم اولیه» یا ابتدایی که دامنه شمول آن محدود می‌باشد، خوانده می‌شود. گاهی کشوری ممکن است دامنه تحریم را گسترش داده و از برقراری روابط بازرگانی، مالی و سایر روابط با سایر کشورهایی که با کشور مورد تحریم دارای روابط می‌باشند خودداری نماید که اصطلاحاً این نوع تحریم، «تحریم ثانویه» نامیده می‌شود. گاهی در تحریم ثانویه، کشور تحریم‌کننده از این هم فراتر می‌رود و همچون قانون داماتو آمریکا علیه ایران برای کشورها یا شرکت‌هایی که با کشور تحریم شده روابط مالی و غیره برقرار نمایند مجازات تعیین می‌کند (کاش، ۱۹۸۲، ۷۴).

باید به این نکته توجه داشت که هدف از تحریم کشور تحریم شده به انجام رفتار معین یا وادار کردن خسارت به آن کشور می‌باشد، تحریم را از دیگر تدبیر اقتصادی که در راستای پیشرفت اهداف اقتصادی یک کشور انجام می‌شود، همچون تعریف‌ها، منوعیت صادرات یا واردات... مجزا می‌کند.

تحریم‌های اقتصادی مقوله‌ای است که نابرابری در ساختارهای قدرت را در نظم به اصطلاح نوین جهانی آشکار می‌سازد. در واقع اعمال تحریم‌های اقتصادی غالباً نتیجه تغییر و تبدیلات در ساختارهای قدرت جهانی است. این که چه کشوری تحریم می‌شود، الزاماً نه به آن کشور، بلکه به موضوع روز و دل مشغولی کشورهای قدرتمند بازمی‌گردد. شورای امنیت، محفل تصمیم‌گیری برای منافع ابرقدرت‌ها است و «تحریم» ابزار مؤثری در خدمت این منافع محسوب می‌شود. اغلب تصمیمات سازمان ملل به تبیه کشورهای جهان سوم و مستقلی که از خواسته ابرقدرت‌ها سرپیچی می‌کنند منجر می‌شود. سازمان ملل به واسطه گزارش‌هایی

که کارشناسان آن از کشورهایی نظری عراق و لیبی تهیه می‌کنند، به خوبی از جنبه‌های انسانی تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی آگاهی دارد. (حدادی ۱۳۸۲، ۱۱۴).

این واقعیت بر همه روش‌ن است که تحریم‌های بین‌المللی کمترین تأثیر را بر رژیم حاکم بر کشورها و بیشترین تأثیرات فاجعه‌انگیز را بر مردمان آنها دارد. حتی تحریم‌ها اغلب به تحکیم پایه‌های قدرت رژیم در برابر جامعه‌ای منجر می‌شود که به دلیل فقر و گرسنگی به زانو درآمده است. اگر رژیم تحریم شده دارای پایگاه مردمی قوی و ریشه‌دار باشد، می‌تواند به تقویت روحیه ملی پیردازد و گرایش‌های مردم را به سود سیاست‌های اقتصادی خود- اتکا هدایت کند که در نهایت جامعه از آن منتفع خواهد شد. ولی چنانچه رژیم تحت تحریم از پایگاه مردمی کافی برخوردار نباشد و یا اساساً پایگاهی در جامعه نداشته باشد، حاصل تحریم، همان طور که در بالا ذکر شد، گرسنگی و بی‌سروسامانی مفرط مردم جامعه خواهد بود.

وضع یا لغو تحریم‌های اقتصادی علیه یک کشور خاص، به این امر بستگی دارد که منافع اقتصادی بر مصالح سیاسی یا بالعکس فایق آید. معمولاً اگر منافع اقتصادی و تجاری غیرقابل چشم‌پوشی باشد، از ملاحظات سیاسی مربوط به حقوق‌بشر و امنیت منطقه‌ای می‌توان گذشت کرد. به علاوه غالباً تحریم‌های اقتصادی توجیهی برای اعمال سیاستی دیگر است، مانند مورد پاناما که آمریکا در قالب مداخله انسان‌دوستانه، معادلات قدرت در آن کشور و در منطقه استراتژیک آبراه پاناما را به سود خود تغییر داد. بنابراین، می‌توان گفت که تحریم‌های اقتصادی به یکی از ملزمات اصلی استراتژی سیاسی بین‌المللی تبدیل شده است.

اهداف تحریم

تحریم‌های اقتصادی عبارت از مجازات و یا دست‌کاری در روابط و همکاری‌های اقتصادی به منظور تأمین اهداف سیاسی است. در واقع تحریم اقتصادی یکی از ابزارهای زیرمجموعه سیاست خارجی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا کشور یا کشورهایی مقاصد سیاسی خود را نسبت به کشور هدف به هنگام بروز اختلاف دنبال کنند. تحریم‌های اقتصادی از نظر هدف دو نوع هستند: اول، تحریم اقتصادی به منظور بی‌ثبات کردن رژیم سیاسی کشور هدف است که در واقع برگرفته از تضاد در منافع استراتژیک کشور تحریم‌کننده و کشور هدف می‌باشد. این نوع تحریم برای تغییر رژیم کشور هدف است. دوم، تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف صورت می‌گیرد. این نوع تحریم به مراتب ملایمتر از نوع اول است. زمانی که کشورها به دنبال تغییر رژیم کشور هستند، تحریم نوع اول اعمال می‌شود با این هدف که لطمہ‌ای سنگین به منافع کشور هدف وارد آید. در واقع در این نوع تحریم، عمل‌تحریم اقتصادی جایگزین جنگ است و گزینه ماقبل جنگ تلقی می‌شود. (یاوری و محسنی ۱۳۸۹، ۱۲-۱۳).

به نظر باربر تحریم‌های اقتصادی می‌تواند به دلایل متفاوتی صورت پذیرد. از مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به رفتار و عمل دولتها در مقابل کشور تحریم‌شونده، انتظارات آتی دولت‌های تحریم‌کننده و دیدگاه‌های بین‌المللی اشاره کرد که به ساختار کلی بین‌الملل و یا بخشی از ساختار بین‌المللی مرتبط است. اعمال تحریم با توجه به تعداد شرکت‌کنندگان به سه نوع: یک جانبه، چندجانبه و جامع (فراگیر) طبقه‌بندی می‌شود. تحریم یک جانبه اغلب اوقات فقط به یک کشور محدود می‌شود. در این حال، تحریم را فقط یک کشور در مقابل کشور دیگر انجام می‌دهد. در حالت چندجانبه، تحریم‌ها بیش از یک کشور صورت می‌پذیرد. در این صورت ممکن است که دیگر کشورها، از کشور پیش رو در تحریم پیروی کنند و در نهایت تحریم جامع، همه‌ی کشورها در آن درگیر خواهند شد. لازم به ذکر است که انتخاب تنبیه اقتصادی می‌تواند از طریق چارچوب یک سازمان بین‌المللی نظیر شورای امنیت صورت پذیرد. (باربر ۲۰۱۲، ۶۴).

شیوه اعمال تنبیه‌های اقتصادی (تحریم) می‌تواند به سه روش بايكوت، توقیف و مالی انجام پذیرد. بايكوت در واقع به ممنوعیت واردات یک یا چند کالا از کشور هدف اطلاق می‌شود. این نوع تحریم باعث کاهش تقاضا برای کالاهای مهم صادراتی کشور هدف می‌شود. این نوع تحریم به کاهش درآمد ارزی و در نتیجه کاهش توانایی کشور هدف، برای خرید کالاهای اساسی مورد نیاز منجر می‌گردد. با استفاده از این نوع تحریم می‌تواند به برخی از صنایع خاص که نیازمند واردات کالاهای اساسی برای ادامه تولید هستند، آسیب وارد کرد. این سیاست به دلیل آنکه کشور هدف قادر خواهد بود با دسترسی به دیگر بازارها و یا کشورهایی که از چنین تحریم‌هایی پیروی نمی‌کنند یا با ترفندهای گوناگون از تحریم عبور می‌کنند به تأمین کالای خود پیردازد، کارایی لازم را ندارد. شیوه تحریم از طریق توقیف، صادرات کالاهای مهم به کشور هدف را تحریم می‌نماید. این روش، ابزار رایج و گسترده‌ای است که برای تنبیه کشور تحریم‌شونده استفاده می‌شود. (رحیمی ۱۳۹۱، ۱۶).

البته این نوع ممنوعیت در صادرات، ممکن است جزئی یا کامل باشد، در نهایت، تحریم مالی، وامدهی و یا سرمایه‌گذاری کشور هدف را تعليق یا محدود می‌کند. همچنین کشورهای تحریم‌کننده می‌توانند محدودیت‌های مضاعفی را بر پرداختهای بین‌المللی کشور هدف، نظیر مسدود کردن دارایی‌های خارجی برای اعمال فشار بیشتر انجام دهند.

چگونگی اتخاذ تحریم‌های اقتصادی

ممنوعیت‌های تجاري

مهما ترین موارد ممنوعیت تجاري عبارتنداز:

۱- سهمیه‌بندی، تحديد و توقف کلی صادرات و واردات؛

۲- سیاست تبعیض آمیز تعرفه‌ای، شامل رد همکاری بیشتر با کشور هدف و پذیرش امتیاز تعرفه‌ای عمومی؛

۳- تعلیق و لغو موافقتنامه‌های تجاري و پروژه‌های مشترک و منع کردن صادرات تکنولوژی؛

۴- تهیه لیست سیاهی از معاملات تجاري در حال انجام توسط کشور هدف؛

۵- قطع، تعلیق و لغو کمک‌های فني و برنامه‌های آموزشي (عزیز نژاد و سید نوراني ۱۳۸۹، ۱۶۸-۱۶۹).

ممنوعیت‌های مالي

ممنوعیت مالي نیز جنبه دیگري از تحریم‌های مالي بوده و به يكى از اشكال ذيل اعمال شدنی است:

۱- ممنوعیت بيمه‌ها و ساير خدمات مالي؛

۲- مليات بر صادرات کشور؛

۳- ايجاد محدودیت‌های مالي و بانکي

۴- تحریم نقل و انتقالات مالي؛

۵- مسدود کردن دارابي‌های خارجي کشور؛

۶- ايجاد ممنوعیت در فروش نفت خام و واردات و فرآورده‌های نفتی؛

۷- ايجاد اختلال در گشایش اعتبار استنادي برای تجار کشور؛

۸- ايجاد موانع در جذب سرمایه‌گذاري خارجي (عزیز نژاد و سید نوراني ۱۳۸۹، ۱۶۹).

اثرات تحریم‌ها

اثرات تحریم‌ها و مجازات‌ها بطور کلي بستگي به اهدافي که تعقيب می‌شود، دارد. اهداف اوليه به رفتار کشور تحریم شده و اهداف ثانويه به وضعیت داخلی و انتظارات کشور تحریم‌کننده مربوط می‌شود. در اکثر موارد، تحریم‌های بين‌المملکی اقتصادي تأثیر اقتصادي قبل ملاحظه‌ای داشته‌اند، اما موقفيت سیاسي آنها خيلي کمتر بوده است. خصوصاً زمانی که کشور مورد تحریم از لحاظ اقتصادي وابستگي کمي به کشور تحریم‌کننده داشته و ساير کشورها نيز کشور تحریم‌کننده را در اجرای تحریم همراهی نکنند.

در تحریم‌های جمعی توسط سازمان ملل متحد، نيز اگرچه کميته‌هایي برای نظارت بر اجرای تحریم، زيرنظر شوراي امنيت تأسيس شده‌اند، لیکن در كل اجرای تحریم‌ها کلاً به عهده دولت‌ها و اگذار شده است لذا چنانچه کشورهای جهان در خصوص اين تحریم‌ها يا روشی که در آن چنین تحریم‌هایي می‌بايست اجرا گردد توافق و هماهنگي نداشته باشند، اينگونه تحریم‌ها اثر چندانی نخواهند داشت از طرف ديگر جهان بازرگانی هميشه قادر به کشف روزنه‌های گريز از اين تحریم‌ها هستند. افزوون براین، آثار بشردوستانه منفي تحریم‌های بين‌المملکي بر آسيب‌پذيرترین اقشار مردم دولت هدف، همواره يكى از نگرانی عمدۀ جامعه بين‌المملکي بوده است. يكى از نمونه‌های بين‌المملکي که باعث شد مردم کشوری در وضعیت اسفناک اقتصادي و اجتماعی قرار گيرند، کشور عراق در زمان رژيم صدام می‌اشد، به گونه‌ای که عده‌ای ادامه تحریم‌ها را نامشروع دانسته و خواستار لغو آن گردیدند (طباطبائي ۱۳۷۹، ۷۱).

اگرچه در منشور ملل متحد استفاده از تحریم‌ها توسط شورای امنیت برای تعديل رفتار دولتی که صلح و امنیت را به خط می‌اندازد مجاز می‌باشد، لیکن باید اين پرسش را مطرح کرد که چنان‌چه هدف تحریم قابل تحقق نباشد، تا چه مدت باید آن را ادامه داد؟ با وجود اين که آثار تحریم بر دولت خاطی در درازمدت مشخص می‌گردد، ولی افزایش بی‌رویه مدت اعمال تحریم‌ها فقط می‌تواند موجب شود که هزينه‌های بشردوستانه آنها افزایش يافته و عوارضی ببار آورد که در ابتدا پيش‌بینی نشده بود. از سوی ديگر در چنین شرایطی خاتمه دادن به تحریم‌ها اين خطر را به همراه دارد که مقامات دولت‌های خاطی از اين قبل مشکلات تشویق شوند که ملت خود را سپر بلا قرار دهند. لذا با توجه به ويزگي عام الشمول بودن موازين حقوق بشردوستانه بين‌المملکي، شوراي امنیت ملزم است که اين موازين را جهت حمایت از افراد غيرنظمي مراجعت نماید. برای تحقق اين هدف می‌توان ترتیبات عملی را به اين ترتیب پياده نمود: ضرورت ارزیابي تأثير بالقوه تحریم‌ها قبل از تصویب تحریم و در طول مدت اجرای آن و سپس ضرورت نظارت بر اعمال تحریم‌ها به منظور تضمین مطابقت آنها با موازين مربوط به حقوق بشردوستانه بين‌المملکي (ایوانز و نونام ۱۳۸۱، ۳۳).

آثار تحریم‌ها بر تجارت آزاد و حق توسعه و همین‌طور نتایج مخرب آن بر همسایگان دولت هدف تحریم نیز به نسبت مسائل مهمی را مطرح می‌سازد که مستلزم ارزیابی هوشیارانه است. نکته آخر اینکه، تحریم‌ها، حتی آنهایی که توسط سازمان ملل متحد وضع شده‌اند، دارای انگیزه سیاسی بوده و صورت گزینشی اعمال شده و به شدت دست کاری گردیده‌اند. و در بعضی موارد بعضی از اعضای شورای امنیت اهداف خاصی را دنبال می‌کنند و سعیشان براین است که منافع و اهداف مورد نظر خود را در اجرای این تحریم‌ها تأمین نمایند. تحریم علیه عراق و لبیی از جمله این نمونه‌ها هستند.

چالش‌های تحریم

تحریم‌های اقتصادی چالش‌های زیادی دارند. اول، معمولاً تهدید اگر اعتبار کافی نداشته باشد، فشار بینهایتی را طلب می‌کند. به علاوه تحدید به خودی خود باعث ناآرامی و اضطراب می‌شود، امری که برعقلانیت تصمیم‌گیری طرف مقابل اثر منفی به جای می‌گذارد و مسئله‌ای را نیز حل نمی‌کند. دامنه کار به حدی است که به دلیل عدم موفقیت، کشور تحریم‌کننده به ناچار از نیروی نظامی استفاده می‌کند. این در واقع خلاف منطق اصلی بکارگیری تحریم اقتصادی است؛ زیرا، همان‌طوری که در تعریف اولیه از تحریم بیان شد، تحریم به منظور استفاده نکردن از نیروی نظامی در نظر گرفته می‌شود.

برپایه این تحلیل، صرف نظر از این که هدف تحریم‌کننده چه باشد، ممکن است تحریم اقتصادی منجر به جنگ شود. تاریخ گذشته و معاصر، نمونه‌هایی از تحریم اقتصادی که در نهایت تبدیل به جنگ شده است را نشان می‌دهد. (احمدی، ۱۳۹۰، ۲۶۱).

در قرن پنجم پیش از میلاد، پریکل امپراطور آتن علیه یکی از شهر-کشورها که با دشمن امپراطور همدست شده بود، حريم تجاری وضع کرد. هدف امپراطوری این بود تا نشان دهد هر کس که اقتدار امپراطور را به چالش کشد، تا مرز جنگ تنبیه خواهد شد. در واقع علی‌رغم این که هدف امپراطور از وضع تحریم جنگ نبود، اما تحریم مزبور منجر به جنگی شد که ۳۰ سال ادامه یافت. مشابه این وضعیت بین آمریکا و ژاپن اتفاق افتاد. در واقع حمله ژاپن به پول هاربر در پاسخ به تحریم شدید آمریکا علیه این کشور بود. آمریکا نیز مقابلاً، وارد جنگ جهانی دوم شد. تحریم آمریکا علیه عراق در زمان صدام حسين نیز در نهایت به همین سرنوشت دچار گردید.

نکته دیگری که در تحریم‌ها وجود دارد، آثار منفی آن بر روی مردم عادی است. تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بعد از جنگ سردد، به حدی مخرب بوده‌اند که تلفات، ناشی از آن بسیار بیشتر از کشته‌های سلاح‌های کشتار جمعی بکار گرفته شده در طول تاریخ است. این عامل باعث شد تا تحریم به اصطلاح هوشمند مطرح شود. ادعا این است که تحریم همه‌جانبه تمام مردم، و تحریم هوشمند تنها نخبگان دولتی در قسمت‌های مهم را هدف قرار می‌دهد. اما مشکل تحریم هوشمند نیز این است که اثر چندانی ندارد. از این‌رو توصیه می‌شود که افرادی هدف تحریم‌های هوشمند قرار گیرند که مسئولیت اتخاذ سیاست‌هایی را عهده دارند که کشور تحریم‌کننده با آن سیاست‌ها مخالف است. (برزگر، ۱۳۹۲، ۳۸).

با این‌همه، در نهایت بسیاری از نظریه‌پردازان به این نتیجه رسیده‌اند که در حل و فصل منازعات، مشوق بیش از تحریم و فشار اثرگذار است؛ زیرا در این صورت، احتمال درگیری کاهش می‌یابد و طرف مقابل نیز زمینه برای نوعی معامله کردن پیدا می‌کند. از دید دیوید بالدوین، تهدید پیام خشونت، ناآرامی و ترس را به دنبال دارد، در حالی که محرك‌های مثبت می‌تواند همکاری و نیت خوب و امید را الفا کند. در این دیدگاه حتی اگر مشوق، با جگیری تقی شود، با این حال منجر به رفتاری تحریک آمیز نمی‌شود. در ضمن، مشوق می‌تواند به عنوان ابزاری برای ایجاد انشقاق هم به کار رود. هنگامی که افرادی مشخص، از جامعه منزوى شده باشند، محرك‌های مثبت می‌توانند زمینه‌ساز اثرگذاری فزاینده برای تغییر در دیگر بخش‌های کشور هدف که از شوک‌ها منتفع می‌شوند، به وجود آورد. این امر در صورت همکاری حکومت کشور تحریم شده ایجاد می‌شود. در این مرحله از دید مدل نظریه‌بازی‌ها در زمینه اجبار اقتصادی، هنگامی که کشوری، مصالحه را بر پذیرش خسارت ترجیح می‌دهد، زمینه تسلیم شدن حتی قبل از اعمال تحریم را نیز دارد. از این جهت، براساس مدل تئوری بازی‌ها، صرف تهدید به تحریم برای موفقیت آن کفایت می‌کند و در غیر این صورت نباید اعمال شود.

نتیجه گیری

همان‌گونه که در بررسی قبلی مشخص گردید، تحریم‌ها از جمله ابزار و اقداماتی هستند که از دیرباز چه به نحو خصوصی یا به نحو دولتی و همچنین به عنوان یک ضمانت اجرا در موارد تهدید یا نقض صلح برای وادار کردن دولت‌ها جهت تغییر رفتار خود به کار گرفته شده‌اند.

تحریم‌های خصوصی که توسط افراد و گروه‌های خصوصی و ملی سازماندهی می‌شوند بندرت مسئولیت بین‌المللی دولت را در پی دارند. و مشروعیت این نوع تحریم‌ها مورد تردید واقع نشده است.

تحریم‌های دولتی معمولاً توسط کشورهای نیرومند به عنوان ابزار سیاست خارجی به کار گرفته شده‌اند. هدف از این‌گونه تحریم‌ها وادار کردن دولت هدف به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی‌شان می‌باشد. لذا این تحریم‌ها صرفاً اهداف اقتصادی را دنبال نمی‌کنند، بلکه دستیابی به اهداف سیاسی، اجتماعی یا نظامی ممکن است جزء برنامه‌ها و انگیزه‌های کشور تحریم‌کننده باشد. تحریم‌های دولتی ممکن است تنها نسبت به دولت هدف برقرار گردد (تحریم اولیه)، یا اینکه دایره شمول آن گسترش داشته و شامل کشورهایی که با دولت هدف، دارای روابط تجاری یا مالی و... هستند، گردد (تحریم ثانویه).

اگرچه در گذشته این نوع تحریم‌ها به استناد اصل حاکمیت کشورها مجاز تلقی می‌گردید، لیکن امروزه براساس حقوق بین‌الملل معاصر از جمله قطعنامه‌های ارکان ملل متحده، اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی کشورها، حق توسعه و... تحریم‌های بین‌المللی که از سوی کشورها برعلیه کشورهای دیگر اعمال می‌گرددند، خصوصاً تحریم ثانویه، غیرمجاز بوده و مشروعیت آن مورد تردید می‌باشد. لیکن با توجه به اینکه در حقوق بین‌الملل توسل به اقدامات متقابل در مقابل کشورهای ناقص حقوق بین‌الملل با شرایطی مشروع است، کشورها می‌توانند از تحریم‌ها به عنوان اقدام متقابل استفاده نمایند.

در این زمینه ایرادی که به طرح مسئولیت بین‌المللی دولتها وارد است این است که به دولتها اجازه می‌دهد به صرف طرح ادعای نقض حقوق بین‌الملل از سوی کشور دیگر، به اقدامات متقابل از جمله تحریم متول شوند که این می‌تواند آثار و تبعات سوء برای جامعه بین‌المللی در بی‌داشته باشد.

تحریم‌های جمعی که توسط میثاق جامعه ملل و منشور سازمان ملل متحده (ماده ۴۱) پیش‌بینی شده‌اند از جمله ابزارهای اجرای تصمیمات این سازمان‌ها می‌باشند. شورای امنیت در دوره جنگ سرد، تنها در دو مورد و پس از جنگ سرد در چندین مورد از این ابزار استفاده کرده است. یکی از کامل‌ترین و گستردگترین این تحریم‌ها علیه عراق در سال ۱۹۹۰ پس از تجاوز عراق به کویت صورت گرفت.

در خصوص اینکه تحریم‌های بین‌المللی چه آثاری را در بی‌دارند، بستگی به اهداف موردنظر تحریم‌کننده یا سازمان ملل دارد. اکثر این تحریم‌ها اگرچه آثار سوء‌اقتصادی در بی‌داشته‌اند لیکن در تغییر رفتار کشور مورد تحریم چندان موفق نبوده‌اند دلیل این مسأله را باید در توانمندی کشور مورد تحریم و واکنش منفی سایر کشورها جستجو کرد.

منابع و مراجع

- طریف، محمدجواد. ۱۳۷۶. تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران. فصلنامه سیاست خارجی. سال یازدهم. شماره ۱.
- یاوری، کاظم و رضا محسنی. ۱۳۸۹. آثار تحریم های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی. فصلنامه مجلس و پژوهش. سال شانزدهم. شماره ۶۱.
- عزیزترزاد، صمد و سیدمحمد رضا سیدنورانی. ۱۳۸۹. بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی. فصلنامه مجلس و پژوهش. سال شانزدهم. شماره ۶۱.
- حدادی، مهدی. ۱۳۸۲. تحریم های بین المللی، ابزار سیاست ملی یا ضمانت اجرایی بین المللی. فصلنامه اندیشه حقوقی. سال اول، شماره ۳.
- ایوانز، پیتر و آلن نونام. (۱۳۸۱). ضمانت اجراهای کیفری منشور ملل متحد. تهران: وزارت امور خارجه.
- کاش، فردیریک. (۱۹۸۲) تحریم های اقتصادی، چرا و چگونه. تهران: نشر زرگر.
- باربر، آلن. (۲۰۱۲). الگوی آمریکا برای مدیریت جهان. تهران: نشر نگاه.
- رحیمی، علی. ۱۳۹۱. اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم. مجله سیاست خارجی. سال یازدهم. شماره ۱.
- طباطبایی، عبدالرضا. ۱۳۷۹. تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن. فصلنامه مربیان. سال هشتم، شماره ۲۷.
- احمدی، قاسم. ۱۳۹۰. جایگاه تحریم در سیاست خارجی آمریکا. مجله سیاست خارجی. سال سیزدهم، شماره ۲.